

زیست‌بوم

نجات کوسه‌ماهیان خلیج فارس الگوی موفق جزیره قشم

صدیق نصیری*،فهرامشایخی**

اکوسیستم‌های دریایی خلیج فارس و دریای عمان، زیستگاه گونه‌های ارزشمندی هستند که نقش بی‌بدیلی در حفظ تعادل اکولوژیک و سلامت دریا ایفا می‌کنند. با این حال، کوسه‌ماهیان، سیرماهیان و گیتارماهیان خلیج فارس و دریای عمان زیر سایه سنجین انقراض قرار گرفته‌اند. طی سال‌های گذشته تلاش‌های ساختارمند و چشمگیری از دل جوامع محلی برای نجات این گونه‌ها آغاز شده که نه‌تنها توجه مراجع بین‌المللی را به خود جلب کرده، بلکه توانسته است مسیر سیاست‌گذاری‌های کلان ملی را نیز تغییر دهد.

وضعیت بحرانی کوسه‌ها در ایران

بر اساس گزارش‌های اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN)، حدود ۴۰ درصد گونه‌های کوسه‌ماهیان در معرض خطر انقراض قرار دارند. همچنین بر اساس داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، متأسفانه ایران پس از هند و پاکستان، بالاترین میزان صید کوسه‌ماهیان در اقیانوس هند را به خود اختصاص داده و در میان کشورهای با بیشترین میزان صید در جهان قرار دارد. در این میان اهمیت استراتژیک زیستگاه‌های اطراف قشم را نباید نادیده بگیریم. در آب‌های پیرامون جزیره قشم و شمال تنگه هرمز، بیش از ۳۰ گونه کوسه‌ماهی و سیرماهی در معرض خطر انقراض یا آسیب‌پذیر شناسایی شده‌اند که به دلیل فشار بالای صید، با کاهش شدید جمعیت روبه‌رو هستند. بررسی‌های دقیق میدانی ما نشان می‌دهد حفاظت از زیستگاه‌های حیاتی مانند «صیدگاه تنب» که رایشگاه و منطقه اصلی تغذیه و رشد کوسه‌ماهیان است و همچنین مناطق مهم مرجانی نظیر «گودال عجایب» و «گشر اسپرینگی» برای بقای این گونه‌ها در خلیج فارس ضرورت مطلق دارد. ما ایجاد مناطق قوقی بومی دریایی (Marine ICCA) در این محدوده‌های حساس بر اساس دانش عرفی صیادان، توسعه صیادی مسئولانه، توسعه معیشت‌های جایگزین، آموزش مستمر جوامع محلی، صیادان و آینده‌سازان این مرزوبوم یعنی کودکان و بالغین مشارکت سازمان‌های حفاظت محیط زیست و شیلات ایران را از مهم‌ترین راهکارهای نجات این گونه‌ها می‌دانیم.

از مشارکت محلی در کنون‌های صیادی تا بازتاب جهانی

در چنین وضعیت بحرانی زیستگاه و کوسه‌ماهیان است که مشارکت جوامع بومی در پایش زیستگاه‌ها بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. در این راستا استقرار نظام مدیریت مشارکتی و تعیین محدوده‌های قرق بومی (Marine ICCA) با تکیه بر دانش عرفی صیادان در زیستگاه‌های مهم غرب و جنوب جزیره به‌ویژه در کنون‌های اصلی حضور این آذربای پیرامون بندار باسعیدو، سوزرا و قشم، موفق‌ترین الگوی حفاظتی مؤسسه کولی‌کر خلیج فارس بوده است. این مشارکت محلی به کاهش محسوس صید هدف و صید ضمنی گونه‌های در معرض تهدید منجر شده است. فعالیت‌ها و سوابق چشمگیر مؤسسه کولی‌کر خلیج فارس در عرصه بین‌المللی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است؛ به‌طوری‌که گزارش اقدامات و دستاوردهای پروژه اجراشده این مؤسسه با حمایت دفتر برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برنامه توسعه عمران ملل متحد در ایران GEF SGP UNDP به عنوان یک الگوی موفق در کاتپاچه منتشرشده در کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد (CBD COP۱۶) آورده شده است. همکاری نزدیک و ساختارمند مؤسسه کولی‌کر خلیج فارس با دکتر ریما ژابادو (Dr. Rima W. Jabado)، نایب‌رئیس گروه تخصصی کوسه‌ماهیان IUCN، در قالب پروژه بین‌المللی «الاسمو پراچکت» نیز منجر به ارتقای کیفیت مطالعات در این زیستگاه‌های حیاتی و تأیید داده‌های علمی-بومی در مراجع معتبر جهانی شده است. این دستاوردها با حمایت همه‌جانبه GEF SGP UNDP و پشتیبانی‌های مداوم سازمان منطقه آزاد قشم محقق شده است. موفقیت این الگو که در ابتدا در مقیاس کوچک و محدود به زیستگاه‌های حساس جزیره قشم و استان هرمزگان اجرا شده بود، اکنون به موتور محرک سیاست‌گذاری‌های کلان کشور تبدیل شده است. گواه بارز این دستاورد، اطلاعیه و خبر اخیر سازمان حفاظت محیط زیست مبنی بر «برخورد قانونی محیط زیست با صید کوسه‌ماهیان و سفره‌ماهیان خلیج فارس» است. این ورود جدی و رویکرد قاطعانه سازمان حفاظت محیط زیست برای اعمال قانون در سطح ملی، نویدبخش اثربخشی دستاوردها و اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های تحت حمایت برنامه کمک‌های کوچک (GEF SGP UNDP) است. در واقع، الگوی حفاظت مشارکتی که در مقیاس خرد (جزیره قشم و استان هرمزگان) با آموزش صیادان، تعیین مناطق حساس و پایش‌های بومی پیاده‌سازی شد، توانست کارآمدی خود را ثابت کند و اکنون به عنوان یک نقشه راه عملی در سیاست‌گذاری‌های کلان سازمان حفاظت محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، مؤسسه کولی‌کر خلیج فارس ضمن استقبال از این اقدام ارزشمند سازمان حفاظت محیط زیست، ابراز امیدواری می‌کند این دستاورد نقطه عطفی برای جلب حمایت‌های همه‌جانبه و توجه بیشتر سازمان حفاظت محیط زیست باشد. این مؤسسه امیدوار است با همراهی و پشتیبانی مستمر این سازمان در نهادهایکردن حفاظت مشارکتی، مسیر نجات این «فسیل‌های زنده» و پاسداشت محیط زیست دریایی در تمامی پهنه‌های آبی جنوب کشور هموارتر شود تا این الگوی منطقه‌ای با قدرت و انسجام بیشتری در مقیاس ملی توسعه و تداوم یابد.

♦♦**کارشناس شیلات و امور آذربایان سازمان منطقه آزاد قشم** ♦♦**مدیرعامل مؤسسه کولی‌کر خلیج فارس**

یادداشت

نبرد ژوپلیتیک

سیدحسن مرتضوی‌کیاسری؛ هالفورد مکینزد (۱۸۶۱-۱۹۴۷ انگلیس) گفته بود «هرکس بر شرق اروپا و اوراسیا حکومت کند، بر جهان حکومت خواهد کرد. حکومت بر اوراسیا فقط با قدرت پیمانکار فرعی میسر است. اتحاد آلمان و روسیه اتحاد اتکلوامریکایی دراین‌باره را خنثی خواهد کرد». ایده‌ها و نظریه‌های مکینزد در استراتژی آمریکا درباره مناطق ژئوپلیتیک اوراسیا، جنوب شرق آسیا، روسیه و خاورمیانه مؤثر بود، سه، چهار دهه پیش، جورج فریدمن نظام تک‌قطبی و آمریکاسالاری را پیش‌بینی کرده بودو. او پیش‌بینی کرده بود ژاپن قدرت نظامی خود را احیا خواهد کرد و جنگ با ژاپن حتمی است، اما اقتصاد چین به‌خطر نظام و مشکل داخلی از هم خواهد پاشید. نمی‌توان گفت آیا توجه آمریکا به این حرف و حمایت از چین باعث عدم تحقق پیش‌بینی شده یا مبنای پیش‌بینی فریدمن نادرست بوده؛ احتمالاً اقدامات آمریکا زمان و نقطه بحران را عوض کرده است. طبق اظهارنظر مقام وقت بریتانیا در قرن ۱۹، اروپا از آن زمان از بیداری چین وحشت داشت. مارکس در یکی از مقدمه‌های نقد سرمایه به آن اشاره کرده است. از زمان مکینزد تاکنون، خلیج فارس و مناطق ژئوپلیتیک دیگری معرفی شده‌اند. اتحاد اتکلوامریکایی متفاوت شده و موقعیت روسیه نسبت به مقطع پیش‌بینی جورج فریدمن تغییر کرده است. آمریکا اکنون برای مهار بحران‌ها، بحران آفرینی می‌کند. اکنون نقطه‌ای انتخاب کرده که بر دیگر نقاط بحران مؤثر است. ایران اکنون در دل جنگی استراتژیک و جهانی است. اگر چین و روسیه و حتی اروپا و ژاپن از کنار آن بگذرند، بازنده تاریخ خواهند بود.



روایت خانواده وهمکاران تنها جان باخته حمله موشکی به فرودگاه ایرانشهر

آخرین شیفت «خالد قادری»



محمدحسین موسوی: برادرش می‌گوید تن بی‌جان و پر از ترکش «خالد» را ۴۰ متر دورتر از محل کارش یعنی «ایستگاه هواشناسی فرودگاه ایرانشهر» پیدا کردند. «خالد قادری» کارشناس هواشناسی بود؛ پسر تحصیل‌کرده و کوچک خانواده‌ای با شش فرزند، پدر مسئولیت‌پذیر سه پسر و یک دختر و حالا تنها شهید حمله بامداد پنجشنبه ۲۵ تیرماه به فرودگاه ایرانشهر سیستان وبلوچستان. می‌گویند موشک مستقیم به ساختمانی اصابت کرده که او آن شب در آن شیفت داشت. از ساختمان چیزی باقی نمانده است، جز داغی بر دل یک خانواده بلوچ که در خانه‌شان حتی یک تلویزیون کوچک برای پسر هشت‌ساله خانواده وجود ندارد. دوستش «عبدالحق» می‌گوید «خالد» مظلومانه زندگی کرد و مظلومانه شهید شد.

تن بر از ترکش برادر

«عبدالمجید قادری، برادر «خالد» است؛ او می‌گوید برادرش توجه زیادی به خانواده داشت: «خالد یاور پدرم بود. از زمانی که پدرم فوت کرد و حتی بعد از عروسی‌اش، دائم به مادرم سر می‌زد و صبحانه‌ها را با او می‌خورد. او خیلی به مادرمان خدمت می‌کرد. خیال همه ما راحت بود که خالد حواسش به مادر است.» او به ساعتی قبل از رفتن «خالد» به شیفت کاری‌اش در فرودگاه اشاره می‌کند؛ شیفتی که هیچ‌گاه از آن بازنگشت: «خالد می‌گفت ایران به این بزرگی است، اگر بخواد به جایی حمله شو، ممکن است آنجا، هر جایی باشد، اطرافیان تلاش کردند او را قانع کنند تا سر کار نرود، اما خودش می‌گفت وظیفه‌ام است، باید بروم». و رفت و نزدیک ساعت یک بامداد، به «فرودگاه ایرانشهر» حمله شد: «پسرم من را از خواب بیدار کرد و گفت بابا چابهار را زدند. من گفتم برو خواب چون کاری از دست ما ساخته نیست. اما ناگهان دلشوره گرفتم، از اتاق بیرون آمدم و رفتم به حیاط تا به خالد زنگ بزنم. در همان لحظه صدای دو انفجار بزرگ دیگر آمد. من با خط اول و دوم برادرم تماس گرفتم، هیچ‌کدام را جواب نداد. همان لحظه به برادرزاده‌ام گفتم ماشین را ردبیار تا به فرودگاه برویم». آنها در همان نزدیکی فرودگاه فهمیدند که حمله به فرودگاه جدی بوده است: «کل راه را نیروهای انتظامی بسته بودند. در ایست اول گفتند حق ندارید ماشین ببرید. ما پیاده شدیم و به سمت فرودگاه رفتیم. در کیت ورود جلوی‌مان را گرفتند. من به مامور انتظامی گفتم مادر یکی از کارمندان فرودگاه در ماشین است، اگر دست خالی یا بدون خبر برگردم از نگرانی دق می‌کند. خلاصه با بدبختی وارد شدیم و میانه راه یکی از خودروهای فرودگاه سوارمان کرد و تا ساختمان هواشناسی رفتیم». به گفته «عبدالمجید» از ساختمان ۴۰۰متری «ایستگاه هواشناسی» چیزی باقی نمانده بود: «هرچه داد و فریاد کشیدیم پاسخی از بیین آوار نیامد. امدادگران شروع به گشتن کردند و بعد از چند دقیقه، ۲۰ متر دورتر از ساختمان گفتند جنازه‌ای پیدا شده است». آن جنازه «خالد» بود: «جنازه از ساختمان به بیرون پرتاب شده بود و دو پای خالد شکسته و کل بدنش پر از ترکش بود. حتی یک ترکش داخل قلبش رفته بود که بیرون آوردم. تنها خوبی ماجرا برای ما از بین نرفتن کامل جنازه بود.» «خالد قادری» چهار فرزند داشت؛ سه پسر و یک دختر: «پسر بزرگش اسمال کنکور دارد و شهادت خالد وضعیت را برای درس خواندنش سخت کرده است. البته جنوب بلوچستان همیشه پر از مشکل است، ما بچه‌های این منطقه به مشکلات عادت کرده‌ایم».

آن روز زودتر سر کار رفت

«خیلی صبور و بردبار بود. همیشه خنده به لب داشت، حتی

یادداشت

نفت، حذف ارز ترجیحی و اعتراضات

چرا کزارشی از منابع و مصارف ارزی کشور و تأثیر عوامل مختلف بر کاهش ناگهانی منابع (یا افزایش ناگهانی مصارف) با صراحت و روشنی به مردم داده نمی‌شود؟

بخشی از افزایش مصارف ناشی از جنگ ۱۲ روزه قابل فهم است اما به نظر می‌رسد دولت و سیاست‌گذاران مالی و بودجه‌ای در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ متوجه ابعاد نگران‌کننده این کاهش منابع و از جمله احتمال وقوع حطی شده‌اند که منجر به تصمیم افزایش ناگهانی قیمت ارز و حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی شده‌اند وگرنه سیاست افزایش نرخ ارز می‌توانست به‌صورت تدریجی از تیرماه با شیبی آرام آغاز شود و تا پایان سال ۱۴۰۴ تکمیل شود.

خبری که به تواتر در ماه‌های گذشته از عدم بازگشت بخش قابل توجهی از ارز حاصل از صادرات نفت (با اعدادی بین ۷-۱۲ میلیارد دلار) در فضای رسانه‌ای کشور مطرح شده و برخی از مقامات مسئول هم از آن سخن گفته‌اند، تا چه میزان بر تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی و حوادث پس از آن تأثیر گذاشته و مسئول با عامل (عوامل) چنین ارقام بزرگ از دست‌رفته‌ای چه کسانی در دولت یا خارج از آن بوده‌اند؟ آیا این فقط پیامد تحریم‌های تجاری و مالی و موانع انتقال ارز بوده یا سودجویی فروشندگان نفت یا انتخاب نادرست این فروشندگان از سوی وزارت نفت چنین خسارت بزرگی را ایجاد کرده است.

فراموش نمی‌کنیم که شش ماه گذشته از دی‌ماه تا امروز کوبی تاریخ ایران با شتابی باورنکردنی به اندازه شش دهه تحولات مهم اما تلخ را سپری کرده است. از حوادث تلخ و پیامدهای اعتراضات دی‌ماه و از دست‌دادن بیش از سه هزار هم‌وطن عزیز تا تهاجم بی‌رحمانه ائتلاف آمریکایی-صهیونی به ایران و شهادت رهبر انقلاب و فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه تا تخریب گسترده و پرهزینه چندده میلیارد دلاری، همه فجایعی جبران‌ناپذیر و درمانده‌اند که چه در تحلیل و چه در تجویز راهبردی به‌سادگی نباید از کنار آن گذشت.

در یک تحلیل قابل تأمل، سلسله‌جنبان همه این حوادث و رویدادهای تلخ و مصیبت‌بار ایران، تصمیم دولت ترجیحی (با نرخ مصوب ۲۸۵ هزار ریالی) و در پی آن افزایش مستمر نرخ ارز بود. اعتراضات از بازار تهران و پس از آن در برخی شهرهای بزرگ آغاز شد که با شوق ارز و آغاز روندی تازه از بی‌ثباتی، افزایش چشم‌انداز تیرای از افزایش مستمر و کاهش دسترسی به ارز برای واردات و مهم‌تر از آن پیامدهای تورمی ناشی از آن و به‌هم‌ریختن معادلات کسب‌وکار در اقتصاد ایران هم برای بازگانی و هم برای تولید و فعالیت بود. موج‌شوری فرصت‌طلبانه پهلوی و تهییج و دامن‌زدن به آن برای شکل‌گیری روز‌های تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴ هم پس از همین موج اعتراضی شکل گرفت. سهم این حوادث و شکاف اجتماعی ناشی از آن در ایجاد زمینه‌های تهاجم اسفندماه به کشور از مسیر توهم و تصور نادرست دشمنان به فرصت‌فروшایی‌ای در درون و آشوب گسترده داخلی هم‌زمان با حمله خارجی است که البته نادرستی آن با تصعید و نمایش میهن‌پرستی و هم‌گرایی ایرانیان به سرعت نشان داده شد.

انفعال دولت در بیان روشن محدودیت‌های مالی و ارائه گزارش روشن از تراز ارزی لکنت زبان دولت و سیاست‌گذاران اقتصادی در تبیین عملکرد خود را در پی داشت و حتی سبب شد منتقدان تند دولت در ماه‌های گذشته، تورم پرشتاب و بی‌سابقه کشور را ناشی از سیاست ارزی دی‌ماه بدانند و نه جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و محاصره اقتصادی پس از آن. آنچه گفته شد قابل تأمل و وارسسی چندیاره و عبرت‌گرفته‌ای راهبردی است. گزارش‌دهی رئیس‌جمهور محترم و رؤسای قوا و عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده در سیاست ارزی دی‌ماه و حقیقت‌یابی بازگشت یا عدم بازگشت منابع ارزی کشور و برخورد قانونی متناسب با پیامدهای آن بر عوامل این کاهش منابع ارزی است.

اعتماد اجتماعی و امکان آزمون ایده‌های جدید بستگی دارد. فناوری شرط لازم نوآوری است اما بدون سیاست‌گذاری هوشمند و نهادهای کارآمد به مزیت رقابتی پایدار تبدیل نخواهد شد. از همین رو، حمایت از نوآوری پیش از هر چیز به اصلاح قواعد بازی نیاز دارد، نه صرفاً افزایش حمایت‌های مالی. همین

منطق در توسعه پایدار نیز دیده می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد بنگاه‌هایی که نوآوری را به بهره‌وری، کاهش اتلاف منابع و باظراحی زنجیره ارزش پیوند زداند، رقابت‌پذیرتر و تاب‌آورتر شده‌اند. توسعه پایدار امروز، بیش از هر چیز به معنای خلق ارزش بیشتر با منابع کمتر است. در مقابل، سیاست‌های توسعه در ایران همچنین بیشتر بر افزایش ظرفیت و تزیق منابع متمرکز است. در حالی که تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد مؤثرترین حمایت از نوآوری، ایجاد محیطی شفاف، رقابتی، باثبات و قابل پیش‌بینی است؛ محیطی که در آن کسب‌وکارهای نوآور بتوانند ایده‌های خود را بیازمایند، اصلاح کنند و رشد دهند. اقتصاد اشتراکی فقط یک پلتفرم یا فناوری جدید نیست، بلکه بیانگر تغییری اساسی در شیوه خلق ارزش و سازمان‌دهی اقتصاد است. در این الگو همکاری جایگزین انحصار، دسترسی جایگزین مالکیت و بهره‌وری جایگزین مصرف بی‌رویه منابع می‌شود؛ تغییری که بسیاری از اقتصادهای پیشرو آن را به بخش از راهبرد توسعه خود تبدیل کرده‌اند. چالش امروز ایران، بیش از هر چیز، عقب‌ماندگی سیاست‌گذاری از تحولات اقتصاد جهانی است. تداوم این شکاف نه‌تنها فرصت‌های رشد را محدود می‌کند، بلکه رقابت‌پذیری اقتصاد، سرمایه انسانی و جایگاه کشور در اقتصاد آینده را نیز تضعیف خواهد کرد. اکنون زمان بازنگری در قواعد بازی است. سیاست‌گذاری باید خود را با منطق اقتصاد نوین هماهنگ کند و زمینه شکل‌گیری محیطی رقابتی، شفاف و نوآور را فراهم آورد. اقتصاد آینده منتظر هیچ کشوری نیست؛ هر روز تأخیر در این تغییر، هزینه‌ای سنگین‌تر از روز قبل بر توسعه کشور تحمیل خواهد کرد.

علی‌ملکی

دانش‌آموخته مدیریت فناوری
دانشگاه شهید بهشتی

منطق در توسعه پایدار نیز دیده می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد بنگاه‌هایی که نوآوری را به بهره‌وری، کاهش اتلاف منابع و باظراحی زنجیره ارزش پیوند زداند، رقابت‌پذیرتر و تاب‌آورتر شده‌اند. توسعه پایدار امروز، بیش از هر چیز به معنای خلق ارزش بیشتر با منابع کمتر است. در مقابل، سیاست‌های توسعه در ایران همچنین بیشتر بر افزایش ظرفیت و تزیق منابع متمرکز است. در حالی که تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد مؤثرترین حمایت از نوآوری، ایجاد محیطی شفاف، رقابتی، باثبات و قابل پیش‌بینی است؛ محیطی که در آن کسب‌وکارهای نوآور بتوانند ایده‌های خود را بیازمایند، اصلاح کنند و رشد دهند. اقتصاد اشتراکی فقط یک پلتفرم یا فناوری جدید نیست، بلکه بیانگر تغییری اساسی در شیوه خلق ارزش و سازمان‌دهی اقتصاد است. در این الگو همکاری جایگزین انحصار، دسترسی جایگزین مالکیت و بهره‌وری جایگزین مصرف بی‌رویه منابع می‌شود؛ تغییری که بسیاری از اقتصادهای پیشرو آن را به بخش از راهبرد توسعه خود تبدیل کرده‌اند. چالش امروز ایران، بیش از هر چیز، عقب‌ماندگی سیاست‌گذاری از تحولات اقتصاد جهانی است. تداوم این شکاف نه‌تنها فرصت‌های رشد را محدود می‌کند، بلکه رقابت‌پذیری اقتصاد، سرمایه انسانی و جایگاه کشور در اقتصاد آینده را نیز تضعیف خواهد کرد. اکنون زمان بازنگری در قواعد بازی است. سیاست‌گذاری باید خود را با منطق اقتصاد نوین هماهنگ کند و زمینه شکل‌گیری محیطی رقابتی، شفاف و نوآور را فراهم آورد. اقتصاد آینده منتظر هیچ کشوری نیست؛ هر روز تأخیر در این تغییر، هزینه‌ای سنگین‌تر از روز قبل بر توسعه کشور تحمیل خواهد کرد.